۴ - حضرت محمد (صلعم) در چند سالگی بشام رفت ؟

۵ - حضرت محمد (صلعم) چند ساله بود که با بی بی خدیجه (رض) عروسی نمود ؟

٦ - حضرت محمد (صلعم) در چند سالگی پیغمبر شد ؟

۷ - حضرت محمد (صلعم) چرا هجرت کرد ؟

۸ - خلفای راشدین را نام ببرید ؟

۹ - مردم افغانستان چه وقت مسلمان شدند ؟

فصل دوم

دورهٔ سلطنت محمدزائی ها

سردار پاینده خان پسر جمال خان، رئیس خانواده محمدزائی ها بود. پاینده خان بواسطه شاه زمان سدوزائی که پادشاه افغانستان بود کشته شد. پاینده خان فرزندان بسیار داشت ولی وزیر فتح خان، دوست محمد خان، کندل خان، سلطان محمد خان وعبدالجبار خان در تاریخ افغانستان بسیار مشهور بودند.

شاشجاع که برادر شاه زمان وحاکم پشاور بود از ضعف حکومت برادر خود استفاده نموده بعد از حمله ناگهانی کابل را از وی تصرف نمود، و خودرا پادشاه افغانستان اعلان کرد ولی پس از چند وقت از طرف برادرش

شکست خورد و به هندوستان فرار نمود .

دوست محمد خان پسر خورد پاینده خان که آدم هوشیار و با تدبیر و حاکم کابل و غزنی بود تلاش میکرد که پادشاه افغانستان شود .

امیر دوست محمد خان

بعد از فرار شاه شجاع دوست محمد پادشاه افغانستان شد . با پادشاهی دوست محمد سلطنت محمدزائی آغاز میگردد و سلسله سلطنت سدوزائی ختم می شود .

دوست محمد ، پسران زیاد داشت . هرکدام آنها را والی مقرر کرد . او دوبار به پشاور حمله نمود زیرا پشاور از افغانستان بود اما سکها آن را تصرف کرده بودند . اگرچه وزیر اکبر خان پسر دوست محمد خوب جنگ کرد ولی چون برادرانش

سلطان محمد وعبدالجبار، با سکها دوستی کرده بودند، بنابرآن دوست محمد با تمام کوشش های خود، شکست خورد. درین وقت انگلیس خواست که با دوست محمد دوستی کند برای این کار برنس نماینده انگلیس بکابل آمد. نماینده روس هم طرفداری دوستی با دوست محمد گزید. بنابرآن نماینده روس نیز وارد پایتخت شد.

دوست محمد از انگلیس خواست که پشاور را از سکھ ها بگیرد. ولی انگلیس قبول نکرد. دوست محمد از انگلیس برنجید و با روس دوستی کرد. ولی انگلیس ها بسیار خفه شدند. درین وقت ایرانی ها با حمایت روس هرات را محاصره کردند. چون درین کار روس دست داشت، بنابران انگلیس ها آزرده گردیدند.

تجاوز اول انگلیس بر افغانستان

انگلیس ها از دوستی پادشاه افغانستان که با روس داشت ترسیدند چرا که آنرا برای هندوستان خطرناک می دانستند. هندوستان در دست انگلیس بود. بنا بر آن انگلیس ها فیصله کردند که دوست محمد را برطرف نمایند و شاه شجاع سدوزائی را پادشاه افغانستان بسازند زیرا که شاه شجاع دوست آنها بود و در هندوستان زندگی میکرد. شاه شجاع همراه مکناتن که قومندان قشون انگلیس بود بر قندهار حمله کرد. در ینوقت کندل خان برادر دوست محمد خان حاکم قندهار بود.

او میخواست با قشون انگلیس جنگ کند، اما در یارانش با او خیانت کردند و او را تشویق به فرار نمودند. کندل هم جنگ نکرد و بر ایران رفت. شاه شجاع به کمک

عسکر انگلیس قندهار را گرفت و پادشاه شد .

شاه شجاع بعد از چند روز بطرف غزنی روان شد . در غزنی جنگ شدید صورت گرفت بالاحصار غزنی بسیار مستحکم بود . غلام حیدر حاکم غزنی برادرزاده دوست محمد خان خوب جنگ میکرد . ولی عبدالرشید که در غزنی بود . وبرادرزادهٔ دوست محمد خان می شد . از انگلیس ها رشوت گرفت راه را برای آنها نشان داد . قشون انگلیس از همان راه داخل بالاحصار شد و غزنی را گرفت . دوست محمد هم ترسید . از جنگ دست برداشت و به بخارا فرار نمود . محمد افضل و محمد اکبر هم وطن را ترک گفتند و همراه پدر خود روانه بخارا شدند . شاه شجاع به کابل آمد و بر تخت نشست .

پادشاه بخارا دوست محمد را بندی نمود پس از چندی

دوست محمد خان از بخارا فرار کرد و به افغانستان آمد .
درین وقت مجاهدین به سرکردگی میر مسجدی خان در
کوهستان در مقابل لشکر انگلیس به جهاد مشغول بودند .
دوست محمد خان به کوهستان رفت و همراه مجاهدین
با انگلیس جنگ کرد و انگلیس ها را شکست داد ولی بعضی خائنین
مجاهدین را در مقابل دوست محمد تحریک نمودند که دوست محمد
مجبوراً بصورت مخفی بکابل آمد و خود را به مکناتن تسلیم
نمود. مکناتن او را بندی نمود و به هندوستان فرستاد.

شورای اسلامی

شاه شجاع پادشاه بود. ولی او هیچ اختیاری نداشت
تمام کارها را مکناتن میکرد. مردم مسلمان افغانستان که
دین و آزادی خود و وطن خود را بسیار دوست دارند دست

به جهاد نردند تا لشکر انگلیس را از وطن خود بیرون کنند.

مجاهدین در سال ۱۳۵۷ هجری در کابل شورای بزرگ اسلامی را تشکیل دادند و فیصله کردند که وطن خود را از انگلیس آزاد نمایند. امین الله لوگری، سکندرخان بامیزائی کاکه جسین، سردار شمس الدین، هاشم کاه فروش و عبیدالله اخکزائی اشخاص مشهور شورا بودند. آنها برای آزادی افغانستان بسیار فداکاری نمودند. مجاهدین برخانه برنس حمله نموده آنرا آتش زدند و خود برنس را کشتند. مکناتن نماینده انگلیس را ملامت کردند که به قول خود وفا نمی کند و از افغانستان خارج نمی شود رئیس مبارزین ملی و مجاهدین وزیر اکبرخان بود گفتگوی آنها شدید شد بالاخره بر مکناتن حمله نمود و او را بهلاکت رسانید

در اخیر انگلیس ها مقابله کرده نتوانستند مجبور شدند که عساکر خود را از کابل خارج کنند. تعداد عساکر انگلیس در کابل ۱۶،۰۰۰ نفر بود ولی تمام آنها در راه کابل-جلال آباد بواسطه حمله مجاهدین، سردی هوا، گرسنگی و تشنگی مردند. تنها یک نفر که داکتر برایدن نام داشت خود را نیم جان به جلال آباد رسانید.

انگلیس ها از این کار بسیار خشمگین شدند. جنرال پالک را بکابل فرستادند تا از مردم انتقام بگیرد. پالک آدم بسیار خراب بود صدها مجاهد و مبارز ملی ما را شهید ساخت و بازار زیبای چارچته کابل را سوختاند. مردم هم از شاه شجاع انتقام گرفتند و او را کشتند.

پادشاهی دوست محمد

بار دوم

در اثر فشار غازیان افغانستان، انگلیس ها در افغانستان مانده نتوانستند لهذا مجبور شدند که از مملکت ما خارج شوند و بار دوم دوست محمد خان را که در هندوستان بود پادشاه افغانستان ساختند. دوست محمد خان بار دوم ۲۰ سال پادشاهی کرد. ترکستان و بلخ را تصرف نمود، قندهار در دست برادران او بود و در هرات کامران حکومت میکرد. امیر با انگلیس دوستی کرد و از طرف انگلیس برای او معاش مقرر شد. ایرانی ها با کمک روس بر هرات حمله کردند. انگلیس ها از این کار پریشان بودند بنا بران انگلیس با ایران داخل جنگ شد ایرانی ها شکست خوردند و از هرات بیرون شدند.

بسم الله الرحمن الرحیم

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

ترجمه: هرآینه هست در قصه های شان پندی صاحبان خرد را. آیهٔ (۱۱۱) سوره یوسف

تعریف تاریخ

تاریخ علمیست که ما را از احوال و کردار گذشتگان و محل و زمان واقعات آن ها باخبر می سازد. ما به خواندن تاریخ از کارهای خوب آنها پند می گیریم و از کارهای بد شان خود را نگاه میکنیم. کامیاب شدن شما را بصنف چهارم بشما تبریک میگویم. امسال درین صنف تاریخ اسلام می خوانیم. اسلام بهترین دین ها است ما را به عبادت خدای واحد و لاشریک دعوت می کند و از کارهای خراب مانند دروغگوئی

امیر دوست محمد، برادرزاده خود را که سلطان احمد نام داشت حاکم هرات مقرر نمود. ولی او با امیر بیوفائی کرد، با دشمنان او دوستی نمود. امیر آزرده شد. پس او بر هرات حمله کرد و آن شهر را گرفت اما خود او هم مریض شد و در همانجا وفات نمود.

امیر شخص آرام، هوشیار و با تدبیر بود ولی او شکایات مردم را کمتر می شنید، هر روز بعد از نماز صبح قران مجید را تلاوت می نمود امیر خواندن تاریخ را دوست داشت.

سوال ها

۱ - سدوزائی ها که بودند و پادشاهان آنها چه نام داشت؟

۲ - محمدزائی ها که بودند؟

۳ - دوست محمد که بود؟ و حکومت محمدزائی ها چطور آغاز شد؟

۴ - برنس که بود ؟

۵ - انگلیس ها چرا بر افغانستان حمله کردند ؟

۶ - شاه شجاع را که پادشاه افغانستان ساخت و چرا ؟

۷ - دوست محمد چرا فرار کرد ؟

۸ - شورای اسلامی چه بود ؟

۹ - مکناتن چطور کشته شد ؟

۱۰ - دوست محمد بار دوم چگونه پادشاه شد ؟

فصل سوم

امیر شیر علی خان

شیر علی خان اگرچه پسر خورد امیر دوست محمد خان بود. ولی براساس گفتهٔ پدرش پادشاه افغانستان شد. دو برادران کلان شیر علی خان که اولی محمد افضل خان و دومی محمد اعظم خان نام داشت، شیر علی را لایق منصب پادشاهی نمیدانستند زیرا او خورد سال بوده نمی توانست امور مملکت را طوریکه لازم است پیش برد. هردوی آنان شورش کردند ولی شکست خوردند. محمد افضل خان از برادر خود عذر خواست امیر هم او را بخشید و حاکم بلخ ساخت، بعد از آن محمد افضل خان در مقابل شیر علی خان نافرمانی کرد امیر هم او را بندی نمود. پسرش عبدالرحمن که حاکم بدخشان بود به بخارا فرار کرد.

برادر دیگر شیرعلی خان حاکم قندهار بود. او با امیر مخالفت کرد. امیر شیرعلی پسر کلانش را که محمد علی نام داشت در مقابل برادر خود به جنگ فرستاد. در جنگ برادر و پسر امیر هر دو کشته شدند. امیر بسیار غمگین شد. از پادشاهی بیزار گردید و به قندهار رفت. عبدالرحمن در بخارا بود چون از حال شیرعلی خبر شد به کمک امیر بخارا، مزار شریف و کابل را تصرف نمود. شیرعلی برای جنگ او رفت. در راه کابل غزنی بین آنها جنگ شروع شد. امیر شکست خورد و به هرات فرار نمود. عبدالرحمن، غزنی را گرفت و پدر خود محمد افضل را که در آنجا بندی بود آزاد نموده و پادشاه افغانستان ساخت.

بعد از وفات محمد افضل برادرش محمد اعظم پادشاه گردید ولی شیرعلی بار دیگر بر قندهار حمله کرد محمد اعظم خان و

عبدالرحمن خان شکست خوردند و فرار نمودند. امیر شیرعلی قندهار و کابل را گرفت و بار دیگر پادشاه افغانستان گردید.

پادشاهی امیر شیرعلی خان

بار دوم

شیرعلی خان بار دوم ده سال پادشاهی کرد. کوشش نمود تا در صورت خطر روس از انگلیس کمک بگیرد ولی حکومت انگلیس آرزو داشت که در افغانستان آزادی داشته باشد. امیر از این آرزوی انگلیس خفه شد. فریب خورد و با روس دوستی کرد. امیر مرد خوش باور بود، بر دوستی روس اعتماد کرد. انگلیس این کار را به ضرر خود دانست پس بر افغانستان حمله کرد شیرعلی، پسرش محمد یعقوب را بجای خود والی کابل ساخت

وخود ش به مزار شریف رفت تا از روس کمک بگیرد ولی روس باو کمک ننمود. امیر شیرعلی از غصه بسیار مریض شد و بمرد.

در دوران پادشاهی شیرعلی روس ها بطرف سرحد افغانستان پیش قدمی نمودند خیوه و مرو را اشغال کردند. مرو یکی از ولایات تاریخی مملکت ما بود.

در دوره پادشاهی شیرعلی خان یکی از اشخاص بزرگ افغانستان که سید جمال الدین نام داشت زندگی میکرد. او مخالف پیش قدمی انگلیس و روس بود به مسلمان ها میگفت اتحاد کنید تا از پیش قدمی روس جلوگیری بعمل آید.

شیرعلی قلعه شیرپور کابل را آباد کرد. مجلس لویه جرگه را تاسیس نمود. مردم افغانستان درین مجلس جمع می شدند

و در کارهای مملکت بین خود مشورة میکردند. مکتب های نظامی و ملکی را تاسیس نمود. کارخانه های توپ، تفنگ و باروت سازی را تیار کرد. بار اول اخبار را به چاپ رسانید و بنام شمس النهار آنرا مسمی کرد.

تجاوز دوم انگلیس

پس از وفات شیر علی پسر کلانش که محمد یعقوب نام داشت، از زندان آزاد شد و پادشاه شد. انگلیس ها که بر افغانستان حمله کرده بودند قندهار و جلال آباد را گرفتند. محمد یعقوب که سالها در زندان و مریض بود نتوانست که جنگ کند. بنابران به گندمک رفت تا با انگلیس آشتی کند. در گندمک قشله انگلیس بود. بواسطه آشتی گندمک، انگلیس ها

قسمت های زیاد مملکت ما را گرفتند .

مردم مسلمان افغانستان ازین خاطر بسیار خفه شدند به جهاد دست زدند . کیوناری را که سفیر انگلیس در کابل بود بقتل رسانیدند . انگلیس ها محمد یعقوب را بندی کردند و به هندوستان فرستادند . رابرت حاکم کابل شد . بر مردم بسیار ظلم و تعدی کرد . ولی مسلمانان باز هم قیام کردند . دین محمد مشهور به ملا مشک عالم ، محمد جان خان ، میرچه خان و غلام حیدر خان را به رهبری خود انتخاب نمودند . بر کابل حمله کردند و قشون انگلیس را در شیرپور محاصره نمودند . در کوههای اطراف کابل جنگ درگرفت . در همین جنگهای کوهستانی بود که زنان کابل به غازیان نان و آب میرساندند . و چار صد زن کابل در آن شرکت کردند و ۸۲ نفر آنان شهید شدند .

ازطرف دیگر محمد ایوب خان ، پسر امیر شیر علی، قشون انگلیس را در میوند شکست داد میوند در نزدیکی قندهار واقع است درین جنگ بود که ملالی از چادر خود بیرق ساخت ومجاهدین را به جهاد تشویق می نمود .

به لطف خداوند تعالی جل جلاله وفداکاری مجاهدین درجنگ کامیاب شدند ووطن خود را آزاد ساختند .

سوال ها

۱ - شیر علی خان که بود وچگونه پادشاه افغانستان شد ؟

۲ - شیر علی خان بار دوم چگونه به پادشاهی رسید ؟

۳ - سید جمال الدین که بود و برای اتحاد مسلمانان چه نظریه داشت ؟

۴ - انگلیسها چرا بر مملکت ما حمله کرد ؟

۵ - جنگ میوند را بیان کنید ؟

۶ - رهبران جهاد ما در تجاوز دوم انگلیس چه کسانی بودند ؟

۷ - زنان کابل در جهاد چه سهم گرفتند ؟

دزدی ، ظلم ، نفاق وغیره اعمال ناشایسته باز میدارد .

در صنف چهارم از سلطنت محمد زائی ها نیز بحث می شود . محمد زائی ها ۱۵۰ سال در افغانستان حکومت کردند .

حکومت محمد زائی ها توسط کودتای که از طرف نور محمد تره کی بکمک نظامی مستقیم روسیه صورت گرفت در سال ۱۳۵۷ بپایان رسید .

شاگردان عزیز ! شما در زمانی تاریخ وطن خود را می خوانید که لشکر روس بر مملکت ما حمله کرده تعداد زیادی از خانه های ما را بمباران کرده اضافه از ۱۵ لک کودکان ، زنان و پیر مردان ما را شهید ساخت ، اضافه از ثلث نفوس وطن ما به هجرت مجبور شدند با نهم مجاهدین دلیر ما روس ها را شکست داده که بخش زیادی

فصل چارم

عبدالرحمن خان

پسر محمد افضل خان عبدالرحمن در سمرقند بود . از اوضاع خراب افغانستان باخبر گردید، از فرصت استفاده کرد وبطرف افغانستان حرکت نمود . تا رسیدن به چاریکار مردم زیادی با او همراهی نمود . چون انگلیس فهمید که کار خراب وبه افغانستان حمله کرده است وبر افغانها حکومت نمی تواند کرد، زیرا که روس هم اورا بازی داده است . بنابر آن از عبدالرحمن تقاضا کرد که بکابل بیاید وپادشاه شود . باینصورت عبدالرحمن پسر محمد افضل خان پادشاه افغانستان

گردید .

در ابتدای سلطنت عبدالرحمن خان برادرزاده اش محمد ایوب با او جنگ کرد ولی لشکر امیر شکست خورد، بار دیگر خود عبدالرحمن بمیدان جنگ رفت محمد ایوب از پای درآمد و به هندوستان فرار کرد .

عبدالرحمن خان ، خوانین و زمین داران کلان را که در هر قسمت افغانستان حکومت میکردند ، از بین برد . پادشاهی ۲۲ ساله او در جنگ های داخلی گذشت . خصوصاً در مناطق قندهار ، بلخ و هزاره جات وغیره دایماً جنگ بود . امیر در سالهای اخیر زندگی خود کافرستان را مسلمان ساخت و نام آنرا نورستان گذاشت . امیر عبدالرحمن خان یک پادشاه دیکتاتور بود لاکن ملوک الطوایفی را در افغانستان از بین برد و بسیاری

مردم را که تسلیم نمی شدند کشت و یک افغانستان متحد را بوجود آورد خانه جنگی را از بین برد، دفتر مالیه، پوسته وکوتوالی را تاسیس کرد و عسکر خوب تربیه نمود. ملاهای نظامی را مقرر کرد تا به عساکر درس دینی و اخلاقی بدهد. به خانواده های شهیدان معاش تقاعدی میداد. فابریکه مس گری، صندوق سازی و فلزکاری را بنا نمود. در دوره او امنیت بوجود آمد. دزد و اوباش نابود شد. ارگ کابل، باغ بالا، مسجد عیدگاه و مسجد پل خشتی از تعمیرهای مشهور او بشمار میرود.

در دوره عبدالرحمن روسیه قریه پنج ده را بزور جنگ از افغانستان گرفت و با خاک خود یکجا ساخت.

عبدالرحمن در باغ بالای کابل فوت کرد.

سوال ها

۱ - عبدالرحمن که بود و چگونه پادشاه شد ؟

۲ - نورستان در سابق چه نام داشت ؟

۳ - امیر عبدالرحمن چرا حکومت دیکتاتوری داشت ؟

۴ - امیر عبدالرحمن خان چطور افغانستان را متحد ساخت ؟

۵ - روسیه پنج ده را چسان گرفت ؟

۶ - در زمان امیر عبدالرحمن کدام باغ ها ساخته شدند ؟

فصل پنجم

حبیب الله خان

پس از مرگ عبدالرحمن، پسر کلان او حبیب الله پادشاه شد. چون پدرش مخالفین خودش را کشته بود، بنابر آن حبیب الله ۱۸ سال به آرامی پادشاهی کرد.

در دوره حبیب الله مردم پکتیا و قندهار شورش کردند ولی سرکوب گردیدند. امیر حبیب الله لیسه عالی حبیبیه را تاسیس نمود. مضمون تعلیمات نظامی شامل پروگرام های درسی شد. مدرسه حفظ قرآن بوجود آمد. امیر علمای دینی را احترام میکرد. فابریکه پشمینه بافی کابل و فابریکه برق جبل السراج ساخته شد. جریده سراج الاخبار بچاپ رسید. شفاخانه ملکی

کابل بنا گردید .

بالاخره امیرحبیب الله خان درکله گوش لغمان که برای هواخوری وشکار به آنجا رفته بود [illegible] .

سوال ها

۱ - امیرحبیب الله چند سال پادشاهی کرد ؟

۲ - در وقت امیرحبیب الله کدام مکتب تاسیس شد ؟

۳ - اخبار دوران امیر چه نام داشت ؟

۱

فصل ششم

امان الله خان

پس از کشته شدن حبیب الله ، پسرش امان الله در کابل پادشاه شد .

جنگ استقلال (آزادی)

مردم مجاهد افغانستان برای بدست آوردن آزادی کشور متحد شدند و امان الله برای حاصل کردن آزادی با انگلیس داخل جنگ شد . از خیبر ، قندهار و پکتیا بر انگلیس حمله کرد .

قومندان محاذ خیبر صالح محمد سپه سالار و معاون او محمد گل مهمند بود . انگشت صالح محمد خان خون شد . آنرا بهانه ساخت و خود را شکست داد ولی مجاهدین بر عساکر

انگلیس پیروز شدند، قومندان عساکر قندهار غند مشر غلام نبی خان ناصری بود، اگرچه عساکر حکومتی شکست خورد ولی مجاهدین، لشکر انگلیس را به عقب راندند. دستهٔ سوم به قومندانی جنرال محمد نادرخان به محاذ پکتیا فرستاده شد. مجاهدین و سربازان حکومتی در آنجا کامیاب شدند. پدران ما به این ترتیب با شمشیر جهاد آزادی خود را در سال ۱۲۹۷ هـ ش از انگلیس گرفتند. در سال ۱۲۹۷ هـ مردم افغانستان در جنگ کامیاب شدند. و بار اول افغانستان در قطار کشورهای آزاد قرار گرفت.

قرارداد های دوستی امان الله خان

برای اینکه از انگلیس خود را رها کند در فروری ۱۹۲۱ م

معاهدهٔ دوستی را با روس امضاء نمود ، زیرا که امان الله خان شدیداً مخالف انگلیس بود و علاقه زیادی با روس داشت.

در مارچ ۱۹۲۱ م معاهدهٔ دوستی را با ترکیه و در ۲۲ جون با ایران امضاً نمود .

معارف

امان الله معارف و مکاتب را دوست داشت. مکتب های استقلال و نجات ، مکتب های نسوان ، نجاری و رسایی را تأسیس کرد ولی مردم از مکتب نسوان و روان کردن دختران بخارج بسیار آزرده شدند. امان الله با ترقی افغانستان علاقهٔ زیاد داشت ازین سبب در کارهای خود از عجله کار گرفت و بعضی کارهای او چون مخالف اسلام بود لذا ناکام گردید .

در دورهٔ امان الله خان اخبار انیس و امان افغان چاپ می شد. مجله عرفان از طرف وزارت معارف نشر می گردید.

سفر خارج

امان الله در آخر پادشاهی خود از راه هند به مصر، ترکیه، انگلستان، فرانسه، جرمنی و روسیه رفت.

صدراعظم انگلیس در لندن امان الله خان را گفت که به روسیه سفر نکند. اگر به روسیه بروید افغانها بر ضد حکومت شما قیام خواهند کرد.

لاکن امان الله خان گفتهٔ صدراعظم انگلیس را رد نمود و به روسیه رفت.

امان الله خان گفت زنان باید چادری نپوشند و مردان

از وطن را آزاد ساخته وکنترول آنرا بدست آوردند.

شاگردان عزیز !

وطن میراث پاکی است که از پدران دلیر بما وشما سپرده شده است اکنون وظیفه ما و شما ست که آنرا آزاد بسازیم ، و از دست بیگانگان نجات دهیم.

زنهای بسیار نگیرند.

امان الله خان خرید و فروش غلامان را ممنوع ساخت.

قیام در مقابل امان الله خان

امان الله خان قانون اساسی را ساخت و بار اول نمایندگان ملت به لویه جرگه در کابل دعوت شدند تا اصلاحات امان الله خان را شکل قانونی بدهند. لباس زنان و خاندان شاهی در نظر نمایندگان لویه جرگه بد آمد و وزیران امان الله جان نیز آنها را مخفیانه بر ضد او تحریک کردند. ازین سبب لویه جرگه بنقص امان الله خان تمام شد. وقتیکه نمایندگان ملت به خانه های خود برگشتند. بضد امان الله خان فعالیت شروع نمودند.

امان الله یکتعداد زنان را برای تحصیل کردن به ترکیه ،

المان غربی ، فرانسه از راه جلال آباد - تورخم بخارج میفرستاد . مردم شینوار راه تورخم وجلال آباد را گرفتند تا از رفتن زنان بخارج جلوگیری کنند ، لاکن آنها بوقت معین نرسیدند و موتری که در آن زنان سوار بودند از تورخم گذشته بود . مردم شینوار به قهر شدند و بر جلال آباد حمله نمودند . جلال آباد ، کنر و لغمان را تحت کنترول خود آوردند .

بعد از قیام شینوار در پروان هم مردم قیام نمودند و در اطراف حبیب الله کلکانی و سید حسین جمع شدند بر کابل حمله نمودند . و شهر کابل را گرفتند و امان الله را مجبور بر فرار نمود .

فصل هفتم

حبیب الله

بعد از فرار امان الله یک دهقان کوهدامنی پادشاه شد

در قیام مردم شینوار علیه امان الله خان وزیر امان الله خان دست داشتند.

نام او حبیب الله و لقبش خادم دین رسول الله و مشهور به بچهٔ سقاو بود .

او نه ماه پادشاهی کرد . لباس ساده و وطنی می پوشید به مکتب و مدارس علاقه نداشت . چون در کارهای حکومتی بی تجربه بود ، همراهانش کارهای خراب کردند و او را بدنام ساختند . چنانکه در اکثر جاهای وطن شورش برپا گردید . در آخر برطرف شد و بقتل رسید .

تمرین

۱ ـ مجاهدین استقلال افغانستان را چگونه حاصل کردند ؟

۲ ـ عساکر افغانستان در خیبر چرا شکست خوردند ؟

۳ ـ مجاهدین در قندهار چگونه کامیاب شدند ؟

۴ - سرلشکر مجاهدین در پکتیا که بود ؟

۵ - آیا امان الله خان به معارف توجه داشت ؟

٦ - امان الله برخلاف اسلام چه کرد ؟

۷ - امان الله بواسطهٔ که فرار کرد ؟

۸ - حبیب الله که بود ؟

۹ - حبیب الله چرا ناکام شد ؟

فصل هشتم

محمد نادرخان ۱۳۰۸ هـ ش

در وقت فرار امان الله خان محمد نادر در فرانسه بود .

وقتیکه از شکست و فرار امان الله و پادشاه شدن حبیب الله بچه سقاء خبر شد ، بطرف افغانستان روان شد و بکمک مردم کابل را گرفت و پادشاه شد .

به حبیب الله قول داد که او را نخواهد کشت ولی در خفاء او را بقتل رسانید .

محمد نادر از اصلاحات امان الله خان جلوگیری نمود زنها چادری پوشیدند و به روحانیون احترام میشد. وضع عسکری بهتر گردید ، و در بالاحصار کابل پوهنتون حربی تأسیس شد ، شورای ملی تاسیس و بند قرغه ساخته شد، فاکولته

طب بوجود آمد. بانک ها ، مکاتب وشفاخانه ها ساخته شد . در دوران سلطنت محمد نادر مردم شینوار وکوهستان قیام کردند، ولی شکست خوردند محمد نادر بعد از چهار سال و ۹ ماه پادشاهی، توسط یک متعلم بقتل رسید.

فصل نهم
محمد ظاهر شاه

بعد از کشته شدن محمد نادر، پسرش محمد ظاهر در سال ۱۳۱۲ هش پادشاه افغانستان شد ولقب المتوکل علی الله برخود گذاشت. محمد ظاهر شاه در تعلیمگاه پولیس درس خوانده بود.

در زمان پادشاهی پدرخویش وزیر حربیه ومعارف بود. وکاکایش محمد هاشم خان صدراعظم وی بود، که بعد

از آن شاه محمود صدراعظم افغانستان گردید.

وقتیکه محمد داود صدراعظم افغانستان بود، بین پاکستان، ایران، ترکیه و امریکا یک قرارداد نظامی بامضاء رسید. محمد ظاهر و محمد داود این قرارداد را برای سیاست بی طرفی افغانستان خطرداشت. لذا به طرف روس میلان پیدا کرد، و از روسیه کمک های نظامی گرفت.

روس ها از موقع استفاده کردند، و در اردو و معارف افغانستان بعضی اشخاص را تربیهٔ کمونستی دادند، و در نتیجهٔ آن بدبختی بزرگی را بر ملت مسلمان ما وارد ساخت.

محمد ظاهر با امریکا، جرمنی، فرانسه و دیگر کشورها روابط دوستانه داشت، و معارف افغانستان میان همین کشورها تقسیم شده بود.

در زمان محمد ظاهر شاه چادری زنان دور انداخته شد. دختران و پسران در پوهنتون یکجا درس میخواندند، ولباس اروپائی روز به روز در معارف افغانستان رائج میگشت.

در دوران حکومت محمد ظاهر مکاتب دهاتی، ابتدائی، متوسطه وثانوی، لیلیه و پوهنتون ننگرهار تاسیس گردید، وپوهنتون کابل نیز انکشاف یافت.

ولی در مکاتب به مضامین دینی وعقیدوي توجه خاص مبذول نمی شد، ودر دفاتر دولتی رشوت گرفتن رواج داشت.

بعد از اعلان نمودن قانون اساسی وضع اقتصادی و سیاسی کشور رو به خرابی گذاشت. احزاب سیاسی به فعالیت شروع نمودند، واز پیشرفت احزاب خلق وپرچم

جلوگیری بعمل نیامد. احزاب اسلامی برخلاف حکومت محمد ظاهر مبارزه شروع کردند، مگر اکثراً سرکوب شدند.

سرک های کابل - مزار شریف، کابل - جلال آباد و کابل هرات در زمان حکومت محمد ظاهر بصورت عصری ساخته شدند، کانال ننگرهار و پروژه وادی هلمند را نیز ساخت، همچنین فابریکه برق درونته، سروبی، نغلو و ماهیپر ساخته شد، وگاز طبیعی شبرغان استخراج گردید، که روسیه آنرا به قیمت ارزان میخرد. محمد ظاهر به بهانه علاج چشم به اروپا سفر کرد و محمد داود صدراعظم وقت از موقع استفاده کرده حکومت شاهی را به پایان رسانید و برای اولین بار در تاریخ افغانستان حکومت جمهوری از طرف وی اعلان شد.

فصل دهم

جمهوریت محمد داود

محمد داود به تاریخ ۲۶ سرطان سال ۱۳۵۲ هش حکومت شاهی محمد ظاهر را توسط یک کودتای نظامی خاتمه داد. خود را بحیث رئیس جمهور افغانستان اعلان نمود و حکومت جمهوری را در افغانستان اعلان نمود. محمد داود اعضای حزب پرچم را در دفاتر دولتی جای داد. در ابتدای جمهوریت با روس روابط حسنه داشت. ولی در اواخر حکومت اش سیاست خود را تغیر داده و به پاکستان، ایران کویت، مصر و عربستان سعودی سفر کرد. کشورهای اسلامی برایش وعدهٔ همکاری دادند. مگر روسها توسط جاسوسان خویش از وی خبر شدند، لذا کوشش کردند تا او را هرچه زودتر

فصل اول

تاریخ اسلام

ما مسلمان هستیم - دین اسلام از عربستان ظهور کرد.

عربستان جزیره نمای بزرگی است که در جنوب غرب براعظم آسیا واقع میباشد. منطقه گرم و ریگستانی است. مکه معظمه، مدینه منوره و ریاض از شهرهای مشهور آن میباشد.

عرب ها پیش از اسلام بت پرست بودند. قماری زدند شراب خوری و در بین خود جنگیدن و دختران را زنده بگور کردن میان شان رواج بود.

قبیله قریش

قریش قبیله مشهور عربستان بود.

از پا در آورد. خلقی ها و پرچمی ها به تحریک روس بر ضد حکومت محمد داود تظاهرات برپا نمودند، و حکومت رهبران تظاهر کنندگان را زندانی ساخت. آنها هنوز در زندان بودند که خلقی ها و پرچمی ها به کمک روس، دگروال عبدالقادر و جگرن اسلم وطنجار که مزدوران روس بودند کودتا کردند و محمد داود را با قتل رساندند و تره کی را به تاریخ ۷ ثور سال ۱۳۵۷ هـ ش بر تخت نشاندند.

با کشته شدن محمد داود دورهٔ سلطنت خاندان محمدزائی ها به پایان میرسد. و کشتار مردم بی گناه افغانستان توسط قوای سرخ و ظالم شروع شد که تا امروز ادامه دارد.

تمرین

۱ ـ محمد نادر که بود و چگونه پادشاه شد؟

۲- محمد نادر برای افغانستان چه خدمت کرد ؟

۳- محمد نادرشاه چند سال پادشاهی کرد، واز دست که بقتل رسید؟

۴- محمد ظاهرشاه چه وقت پادشاه شد ؟

۵- درزمان حکومت محمد ظاهرشاه معارف افغانستان میان کدام کشورهای جهان تقسیم شده بود ؟

٦- محمد ظاهر با روسها چه نوع قراردادها امضأ کرد ؟

۷- خلقی ها و پرچمی ها کی بودند وچه میکردند ؟

۸- درزمان صدارت محمد داود چرا با روسها قراردادهای نظامی امضأ گردید ؟

۹- محمد ظاهر چند سال پادشاهی کرد ؟

۱۰- پادشاهی محمد ظاهر ازطرف که سرنگون گشت ؟

۱۱- محمد داود چند سال رئیس جمهور بود ؟

۱۲- محمد داود با روسها چرا دوستی کرد ؟

۱۳- محمد داود در زمان حکومتش چه خطاهائی کرد ؟

۱۴- محمد داود چگونه کشته شد ؟

۱۵- بعد از کشته شدن محمد داود اختیارات اردو افغانستان را

که در دست گرفت ؟

نورمحمد تره کی

تره کی در سال ۱۳۵۷ هش در افغانستان کودتا کرد و حکومت خودرا به نام دیموکراتیک خلق اعلان نمود. تره کی با روس قرارداد دوستی امضا کرد. و از روسیه وممالک مربوط به پکت وارسا تعداد زیاد مشاورین به افغانستان آمدند. کارهای نظامی افغانستان مستقیماً بدست خود گرفتند.

مامورین سابقه را برطرف نمودند، عدهٔ زندانی کردند و به یکتعداد از آنها وظایف بسیار کوچک و بی اهمیت را سپردند. تمام کارهای مهم دولتی را به اعضای احزاب خلق و پرچم دادند حفیظ الله که معاون وصدراعظم تره کی بود بعضی از افراد

مهم وسرشناس افغانستان را زندانی وبرخی آنان را بقتل
رسانید. مسلمانان در بعضی نقاط افغانستان قیام کردند، اما تره کی
وحفیظ الله آنها را زندانی وشهید نمودند. بالاخره در بین تره کی
وحفیظ الله در داخل ارگ جنگ بوقوع پیوست که درین جنگ
تره کی کشته شد وحفیظ الله امین خود را رئیس جمهور دولت جمهوری
دیموکراتیک خلق افغانستان اعلان نمود.

حفیظ الله «امین»

حفیظ الله برای خوشی روسها بسیار ترصیف میکرد. اما
روسها با او چندان علاقه نداشتند ومیکوشیدند تا ببرک را
به حکومت برسانند.

حفیظ الله اوازحق، عدالت ومصئونیت را بلند نمود،
وتمامی جنایاتی را که درزمان حکومت تره کی وصدارت وی

رخ داده بود برگردن تره کی انداخت.

ببرک «کارمل»

روسها در زمان حفیظ الله با تعداد زیادی عسکر ، تانک ها و طیارات بر سرزمین ما حمله کردند. حفیظ الله را کشته و ببرک را از روسیه آورده و اختیارات حکومت افغانستان را در دست وی قرار داد.

مردم افغانستان حکومت بی دین ببرک را دیدند، در تمام نقاط کشور بر ضد وی قیام نمودند لشکر روس ها شهرها دهات و اطراف آنها را بمباران کرده و به آتش زدند. بسیاری از هموطنان ما را شهید ساخته و بیش از پنج ملیون افغانها کشور خود را ترک نمودند، و از دست مظالم روس ها به

پاکستان، ایران و دیگر کشورهای جهان مهاجرت کردند. اما مجاهدین به کومک خداوند ج، روسها را شکست داده وهم اکنون (۸۵) درصد خاک وطن ما در دست مجاهدین میباشد.

ببرک «کارمل» تمام آن جنایات را که در زمان تره کی و حفیظ الله «امین» صورت گرفته بود برگردن حفیظ الله امین گذاشت، و این مزدور روس را جاسوس امریکا خواند در ماه ثور سال ۱۳۶۵ روسها در جراید، رونامه ها و رادیوها مزدور وفادار خویش ببرک «کارمل» را تهمتی نمود که وی نمیتواند مردم افغانستان را متحد سازد از این جهت او را برکنار نمود، و نجیب را بر جایش نشاندند.

تمرین

۱ - تره کی در کدام سال بقدرت رسید؟

ARIC

ناشر:

SWEDISH COMMITTEE FOR AFGHANISTAN
SCA
Established in 1980

مؤسسه تحویل کننده: سویدن
و بازار مشترک اروپا (EC)

سال چاپ: ۱۳۷۸ هـ.ش

تعداد: ٤٧٨٩

طبع: Rehmat Printing Press

۲ - نام حکومت تره کی چه بود ؟

۳- تره کی چرا با روس قرارداد های دوستی ونظامی را امضاً نمود ؟

۴ - مظالم تره کی و امین چه بودند ؟

۵ - ببرک کارمل توسط چه کسی رئیس جمهور افغانستان شد ؟

٦ - جای ببرک را چه کسی گرفت ؟

عبد المطلب پدرکلان حضرت محمد صلی الله علیه وسلم نیز ازهمین قبیله بود . بی بی آمنه را برای پسرش عبد الله نکاح کرد.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم درسنهٔ ۵۷۱ میلادی در مکه معظمه تولد گردید . حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را چند سال بی بی حلیمه شیرداد . بعدازوفات بی بی آمنه سرپرستی اورا پدرکلانش عبد المطلب و بعد از آن کاکایش ابوطالب بعهده گرفت .

سفر شام :

——— : حضرت محمد (صلعم) در ۱۲ سالگی همراه کاکای خود برای تجارت بشام رفت ولی بخاطر آنکه یهودی ها به اوضرر نرساند ، به مکه معظمه پس آمد .

سنه میلادی از تاریخ تولد حضرت عیسی (ع) شروع شده است که تاحال ۱۹۸۶ سال از آن گذشته است .

حضرت محمد (ص) شخص امانتدار بود، به همین علت مردم او را امین می گفتند. بی بی خدیجه یک زن ثروتمند و محترم قریش بود. چون آوازه راستکاری حضرت محمد (صلعم) را شنید برای شان پیامی فرستاد تا با او عروسی نماید و آنحضرت (ص) پیام او را پذیرفت درین وقت خدیجه (رض) ۴۰ ساله و حضرت محمد (صلعم) بیست و پنج (۲۵) سال داشت.

ظهور اسلام: وقتیکه حضرت محمد (صلعم) بسن ۴۰ سالگی رسید به پیغمبری مبعوث شد و قرآن کریم براو نازل گردید و دین اسلام ظهور کرد. درینوقت مردم مکه بت ها را می پرستیدند، حضور صلی الله علیه وسلم به آنها فرمود که بت از سنگ و چوب و گل ساخته شده، آن را پرستش نکنید بلکه خدای یگانه را عبادت کنید. ولی کفار مکه قبول نکردند. آنها

به حضرت محمد (صلعم) بسیار آزار میدادند بالاخره حضرت محمد (صلعم) همراه مسلمانان به مدینه منوره هجرت نمود.

حضرت محمد (صلعم) برای اشاعه و استحکام دین اسلام دست به غزوه ها زد، که در نتیجه مردم عربستان مسلمان شدند، حضرت محمد (صلعم) در سال ۱۱ هجری از دنیا رحلت نمودند.

خلفای راشدین

بعد از وفات حضرت محمد (صلعم) مسلمانان جمع شدند. و حضرت ابوبکر صدیق (رض) را خلیفهٔ خود انتخاب کردند. او اولین مرد کهن سال بود که اسلام آورد. بعد از ۲ سال و ٦ ماه خلافت وفات نمود.

بعد از وفات حضرت ابوبکر (رض)، حضرت عمر (رض) خلیفه گردید. در وقت خلافت حضرت عمر (رض) ایران

عراق، شام و مصر فتح گردید. حضرت عمر (رض) مردم مسلمان
را دوست داشت. شب در کوچه های مدینه گشت و گذار
می نمود و از حال مردم با خبری میکرد. حضرت عمر (رض) بعد
از ده سال خلافت بشهادت رسید. بعد از شهادت او حضرت
عثمان (رض) خلیفه انتخاب شد. حضرت عثمان (رض) تمام دارائی
خود را برای ترقی اسلام خرچ کرد. قرآن مجید در عصر او جمع
شد و بعد از ۱۲ سال خلافت بشهادت رسید. بعد از شهادت
حضرت عثمان (رض) حضرت علی (رض) خلیفه انتخاب گردید.
حضرت علی در خورد سالی اسلام آورده بود. شخص دلیر و
فداکار بود. حضرت محمد (صلعم) او را شیر خدا میگفت.
کابل در دوره خلافت حضرت علی (رض) در سال ۳۶

غزوه ها: جنگ های که آنحضرت (ص) و اصحاب کرام (رض) در مقابل کفر کردند بنام غزوه ها یاد میشوند.

هجری فتح گردید. حضرت علی بعد از ۵ سال خلافت شهید شد.

هریک از خلفای راشدین پروانه اسلام بود که در هر لحظهٔ زندگی برای پیشرفت قرآن و اسلام کار میکردند و آنانرا از این سبب خلفای راشدین میگویند که هرکدام شان در زمان خود برای مردم هدایت قرآن و احادیث پیغمبر(ص) را تلقین مینمودند.

سوال ها

۱- تاریخ را تعریف کنید؟

۲- عربستان در کجا واقع است؟

۳- قبیله قریش که بود حضرت محمد(صلعم) در کدام سال تولد گردید؟

فهرست

شماره	عنوان	صفحه
۱ -	تعریف تاریخ	۱
۲ -	فصل اول - تاریخ اسلام - قبیله قریش	۴
۳ -	سفر مصر	۵
۴ -	ظهور اسلام	۶
۵ -	خلفای راشدین	۷
۶ -	فصل دوم - پادشاهی محمدزائی ها	۱۱
۷ -	امیر دوست محمد خان	۱۲
۸ -	تجاوز اول انگلیس بر افغانستان	۱۴
۹ -	شورای اسلامی	۱۶
۱۰ -	پادشاهی امیر دوست محمد خان بار دوم	۱۹
۱۱ -	فصل سوم - امیر شیر علی خان	۲۲
۱۲ -	امیر شیر علی خان بار دوم	۲۴
۱۳ -	تجاوز دوم انگلیس	۲۶
۱۴ -	فصل چارم - عبدالرحمن خان	۳۰
۱۵ -	فصل پنجم - حبیب الله خان	۳۴
۱۶ -	فصل ششم - امان الله خان - جنگ استقلال	۳۶

شماره	عنوان	صفحه
۱۷ -	قرارداد های دوستی امان الله خان	۳۷
۱۸ -	معارف	۳۸
۱۹ -	سفرخارج	۳۹
۲۰ -	قیام درمقابل امان الله خان	۴۰
۲۱ -	فصل هفتم - حبیب الله	۴۱
۲۲ -	فصل هشتم - محمد نادرخان	۴۴
۲۳ -	فصل نهم - محمد ظاهرشاه	۴۵
۲۴ -	فصل دهم - جمهوریت محمد داود	۴۹
۲۵ -	نورمحمد تره کی	۵۳
۲۶ -	حفیظ الله امین	۵۴
۲۷ -	ببرک کارمل	۵۵

دولت اسلامی افغانستان

وزارت تعلیم و تربیه

ریاست تالیف و ترجمه

تاریخ

برای صنف چهارم

تاریخ

برای صنف چهارم

سال: ۱۳۷۴ هـ ش

مؤلف :

پروفيسور محمد يوسف «علمي»

عضومشورتي :

باطن شاه «صافی»

بسم الله الرحمن الرحيم

رهنما برای معلم

۱-قبل از این که معلم صاحب داخل صنف میشود باید پلان درسی را با خود داشته باشد.

۲- پلان درسی باید مطابق ساعت درسی ترتیب و تهیه شود. برای معلم ضروری است که در این مورد دقت نماید.

۳- معلم صاحب باید به وقت معین به صنف داخل شود.

٤- معلم صاحب باید با لباس پاك داخل صنف شود.

٥- برای معلم لازم است تا در وقت داخل شدن به صنف سلام بگوید.

٦- در شروع درس جدید معلم باید بسم الله الرحمن الرحیم بگوید.

۷- معلم صاحب باید با در نظر داشت مقوله «کَلِمُو الناس عَلی قدر عقولهُم» تدریس نماید. یعنی تدریس باید به سویه و لسان شاگردان صورت گیرد.

۸- معلم صاحب برای تدریس خوبتر فضای مساعد را در صنف آماده سازد.

۹- برای اینکه در تدریس مؤثریت پیدا شود برای معلم ضروری است که طرز تدریس خود را یکنواخت نسازد.

۱۰- معلم صاحب همیشه خود را به صفت همکار به صنف و شاگردان نشان دهد.

۱۱- معلم صاحب باید وظیفهء خانه گی شاگردان را ملاحظه نموده و آنها را به اشتباهات و غلطیهای شان متوجه سازد.

۱۲- برای معلم صاحب لازم است که حاضری شاگردان را بگیرد.

۱۳- معلم صاحب باید شاگردان خود را در جریان تدریس ارزیابی نماید.

۱٤- برای معلم صاحب لازم است تا در میان شاگردان خود روابط حسنه و برادری را قایم نماید.

۱۵- معلم صاحب باید شاگردان خود را بشناسد تا در تدریس مؤثریت به میان آید.

۲٦- معلم صاحب باید شاگردان خود را در تدریس سهیم نماید.

۱۷- معلم صاحب باید در اثنای درس و بعد از ختم آن به شاگردان حق سوال کردن را بدهد.

۱۸- معلم صاحب باید به شاگردان وظیفهء خانه گی بدهد و آن را ملاحظه و اصلاح نماید.

۱۹- معلم صاحب باید با استفاده از مواد محیطی «سنگ ریزه ها» گل، دانهء جواری و غیره عملیات جمع - تفریق - ضرب - و تقسیم را عملاً به شاگردان نشان دهد و هم از مواد درسی از قبیل چارتها، نقشه ها، پوسترها و مواد سمعی و بصری کار گیرد.

۲- برای معلم صاحب لازم است تا به شاگردان در فضای صمیمیت طوری جواب دهد تا در آینده جرأت سؤال نمودن از شاگردان سلب نگردد.

۲۱ - معلم صاحب به شاگردان تفهیم نماید که تمرینات این کتاب را به کتابچه های خود نقل و در آن حل نمایند.